گفت‌وگو با کاوه مظاهری
کارگردان فیلم «گزارشی از مینا»

بیش از ۳۰۰۰ آدمی که دیده نمی‌شوند

عکس: داریوش مجد

• کمی در خصوص انتخاب این سوژه برای ساخت فیلم صحبت کنید. آیا این سوژه دغدغه اجتماعی شما بود یا صرفا به‌عنوان سوژه‌ای خاص برای فیلمسازی آن را انتخاب کردید؟

انتخاب این سوژه کاملا براساس دغدغه‌های من بود. چرا که خارج از فضای سینمایی و کار فیلمسازی، من دغدغه‌های دیگری نیز دارم که از جمله اصلی‌ترین این دغدغه‌ها، همکاری با این‌جی‌اوهاست و من در حوزه کودکان کار و اعتیاد بسیار کار کرده‌ام. این فعالیت‌ها مرا به سمت خانواده این کودکان و خانواده افراد معتاد نیز کشاند و من با دغدغه‌ها و مشکلات آنها آشنا شدم و پس از آن مشکلات کارتن‌خواب‌ها و... اما در ابتدای این پروژه تصمیم داشتم تا درباره کودکانی که مواد جابه‌جا می‌کنند فیلم بسازم. اما این امر مشکلات بسیاری داشت چرا که مسائل اخلاقی در این زمینه به‌خاطر بچه بودن این افراد وجود داشت که اجازه چنین کاری را نداد. پس از آن من به همراه فاطمه عزیزی، محقق این طرح وارد کار میدانی و تحقیقاتی شدیم و تحقیقات را در دوبخش کتابخانه‌ای و میدانی انجام دادیم. به مناطق اطراف تهران، خاک سفید، ری و بسیاری مناطق دیگر رفتیم تا آن‌که به پارک شوش و بین همه اینها به سوژه مینا رسیدیم البته من به دلیل این که مادربزرگم در آن منطقه سکونت داشت، نسبت به آن منطقه شناخت قبلی داشتم و درحقیقت آن‌جا را مثل کف دست می‌شناختم. مینا در پارک شوش بود و ما در ابتدا فکر کردیم که مرد است! اما آنچه در ساخت این مستند خیلی برای ما جذاب بود این نکته بود که مینا فرد بسیار متفاوتی بود. به‌عنوان یک کارتن‌خواب، برای خودش حریم و خانه خیالی داشت. لحظه اولی هم که به سمت او رفتیم او گفت بفرمایید داخل! تمام این موارد ما را جذب این سوژه کرد و ما چند ماه شبانه‌روز به آن‌جا می‌رفتیم تا این‌که در نهایت در عید تصمیم گرفتیم فیلم بسازیم.

• کارتن‌خوابی مینا در این فیلم بیش از اعتیادش در مرکز توجه است و اعتیاد تا حدی به‌عنوان امری حاشیه‌ای دیده می‌شود. دلیل این تأکید در چیست؟

ما نمی‌خواستیم در خصوص اعتیاد فیلم بسازیم، چرا که در این زمینه در ایران و دنیا فیلم‌های بسیار زیاد و عمیقی ساخته شده است و ما اگر چنین کاری انجام می‌دادیم کاری عبث بود به این ترتیب سعی کردیم تمرکزمان را روی این مورد معطوف نکنیم. درخصوص مینا هم، همان‌گونه که گفتم، شخصیت متفاوت این آدم برایمان اهمیت داشت که در میان سختی‌های زندگی کارتن خوابی برای خودش ماجرایی دارد و المان‌های کلیشه‌ای یک زندگی معمولی را در زندگی خودش بازسازی می‌کند. به نظافت محیط زندگی‌اش می‌پردازد، آب و جارو می‌کند و برای خانه‌اش حریم قایل است. در حقیقت من می‌خواستم تا تصور موجود درخصوص زندگی افرادی چون مینا را برهم زنم و نشان دهم که آنها هم برای خودشان زندگی دارند و حتی نوع خاص و جالبی چون مینا هم وجود دارد.

• به گمان شما بازخوردهای اجتماعی چنین آثاری تا چه حد است و آیا شما به شخصه بازخوردی دریافت کردید؟

خیر. واقعیت این است که از بازخوردهای اجتماعی چنین آثاری اطلاعی در دست نیست و من هم نمی‌دانم. از طرفی چون فیلم اکران عمومی نمی‌شود، بسیاری از مردم عادی هم این فیلم و فیلم‌هایی از این دست را نمی‌بینند، در نتیجه درباره بازخورد اجتماعی آنها نیز نمی‌توان صحبت کرد. این فیلم از لحاظ روایت نیز مقداری رادیکال است و من همواره سعی کردم تا به مخاطب بگویم که در فیلم غرق نشود چرا که مشغول دیدن یک واقعیت اجتماعی است که بدون دخل و تصرف رخ داده و همین امر هم به مذاق بسیاری از مخاطبان خوش نمی‌آید. اما نتیجه‌باز خوردی که می‌توانم از آن صحبت کنم این است که، خانم‌هایی که فیلم را تماشا کردند به نسبت مردان بسیار راضی‌تر بودند و با آن ارتباط بهتری برقرار کرده بودند. چرا که یک‌سری خصوصیاتی در زندگی مینا وجود داشت که آنها بیشتر درک می‌کردند و نکاتی را دیده بودند که حتی خود من نیز آنها را ندیده بودم. اما در کل باید بگویم که بازخورد چنین فیلم‌ها و موارد خیلی زیاد نیست یا حداقل من آن بازخورد را در جامعه دریافت نکرده‌ام.

• نگاه شما به مینا، نگاهی از بالا نیست و از طرفی تنها مینا را دنبال می‌کنید و سعی در القای نگاه خاصی به سوژه ندارید. چطور به چنین زاویه‌ای دست یافتید چرا که در بعد اجتماعی چنین نگاهی به این سوژه‌ها وجود ندارد...

طرح نو/فروغ فکری/زن، دور و بر فرش کوچکش را با جارو تمیز می‌کند. آب می‌باشد و نگران است از حضور آشغال‌هایی که نزدیک فرش او هستند. نزدیک محل زندگی‌اش. نزدیک مشمعی که هر روز بر سرش می‌کشد و روی فرشش با یک پتو می‌خوابد. «مینا» از آشغال‌ها خوشش نمی‌آید و به هر که نزدیک می‌شود، بفرما می‌زند که بیاید روی فرشش بنشینند. روی فرشی که حالا خانه‌اش است. مینا ۱۰ سال است که کارتن‌خواب است و مواد مصرف می‌کند و حتی با اقرار گرفتن در قاب دوربین کاوه مظاهری هم تغییری در زندگی‌اش رخ نداده. حتی وقتی مظاهری او را در «گزارشی از مینا» روایت می‌کند هم، همچنان زندگی‌اش بر همان روال گذشته است. مستندی که به گفته مظاهری می‌خواست تصور موجود درخصوص زندگی افرادی چون مینا را برهم زند و نشان دهد که آنها هم برای خودشان زندگی دارند و حتی نوع خاص و جالبی چون مینا هم در این میان وجود دارد! کسانی که دیده نمی‌شوند.

به بهانه نمایش فیلم «گزارشی از مینا» با کاوه مظاهری، مستندساز درخصوص چرایی انتخاب این سوژه و دغدغه‌های اجتماعی‌اش به گفت‌وگو نشستیم که در پی می‌آید:

احساس راحتی که شاید وجود دارد به این خاطر است که بیشتر از هر چیز ما سعی کردیم تا رفتاری مانند آنها داشته باشیم و این امر در ساخت فیلم مستند بسیار دارای اهمیت است. به این معنی که بتوان با سوژه کنار آمد و او با ما احساس راحتی داشته باشد. ما ۸ ماه با مینا و دیگر افرادی که با او در آن پارک بودند زندگی کردیم و کاملا مثل آنها بودیم. برای مثال یکی از پسرهایی که آن‌جا بود و در کل مراحل ساخت هم حضور داشت، از من پول خواست و من هم گفتم که ندارم و اصلا برای چه باید به تو پول بدهم؟ او گفت که دروغ می‌گویم، پول دارم و من هم گفتم محتوای جیب‌هایمان را عوض کنیم! هر چه من دارم برای تو و هر چه تو داری برای من! پذیرفت! او در جیبش یک ترلوان ۵۰ هزار تومنی بود درحالی که من تنها ۱۰ هزار تومان پول داشتم! ما در چنین فضایی کار کردیم و سوژه‌ها به ما اعتماد داشتند و در مقابل دیگرانی که قصد اذیت کردن ما را داشتند نیز از ما دفاع می‌کردند و من هم از تمامی کسانی که مایل نبودند تا از آنها فیلم بگیرم، فیلم نمی‌گرفتم و در تمام مراحل کار نیز از سی‌دی دوربین بازبود که ببینند از چه چیزی تصویر برداشته می‌شود.

• بعد از تمام شدن مراحل فیلمبرداری هم پیگیر وضع مینا و بقیه افرادی که آن‌جا حضور داشتند شدید؟

بله البته آخرین باری که به سراغ مینا رفتم تابستان امسال بود. مینا بارها محل زندگی‌اش را عوض کرد. محل زندگی مینا در پارک شوش توسط شهرداری تخریب شد و او تا آن‌جا که من می‌دانم به مناطق دیگری نقل مکان کرد. اما زندگی‌اش در این سال‌ها و باوجود پیگیری‌ها تغییر نکرد. طی دیدارهایی که در این سال‌ها از زندگی این افراد داشتیم، هر بار که وضع زندگی هر کس بهتر شده بود او را از فیلم درمی‌آوردم و اصلا این نگرانی را نداشتم که فیلم خراب شود و اینهایی که در فیلم حضور دارند، قاعدتا وضعشان بدتر شده است. اما مسأله اینجاست که این قشر دیده نمی‌شوند و این دیده نشدن درحالی است که براساس اعلام رسمی مسئولان مادر حدود ۳۰۰۰ زن کارتن‌خواب داریم!

برانتز

واقعیت تکان‌دهنده است

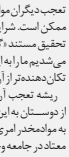

فروغ عزیزی
محقق مستند «گزارشی درباره مینا»

چندسال پیش وقتی در یکی از طرح‌های ضربتی جمع‌آوری معتادان خیابان‌خواب از سطح شهر، اعلام شد که تعدادی از این معتادان زن بودند؛ سر کلاس یکی از استادان جامعه‌شناسی با تعجب از ما پرسیده بود آیا تا به حال چنین پدیده‌ای دیده‌اید؟ دیدن زن معتاد در خیابان شکستن تابوهایی بود که ما از زن و اعتیاد داشتیم. چند سال بعد وقتی با چند زن از این پدیده(!) آشنا شدم همچنان با تعجب دیگران مواجه می‌شدم که چنین چیزی مگر ممکن است. شرایط مینا و زنان بسیاری که ما طی تحقیق مستند «گزارشی درباره مینا» با آن مواجه می‌شدیم ما را به این نتیجه رساند که واقعیت بسیار تکان‌دهنده‌تر از آن چیزی است که ما می‌دانیم.

ریشه تعجب آن استاد جامعه‌شناسی و بسیاری از دوستان به این باور عمومی می‌رسد که اعتیاد به موادمخدر امری مردانه است. تصور قالبی که از معتاد در جامعه وجود دارد عموما مردی است که در خماری به‌سر می‌برد. زنان معتاد در پژوهش‌های مرتبط با اعتیاد یا حضور ندارند یا در حاشیه‌اند. در برنامه‌ها و سیاست‌های مبارزه با موادمخدر و اعتیاد نیز توجه کمتری به زنان می‌شود. توجیه رایج چنین رویکردی این است که آنها در اقلیتند یا این‌که در مجموع چندان تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد و جنسیت در این مورد چندان موثر نیست. در حالی که جنسیت متغیر مهمی در پدیده اعتیاد است. علاوه بر تأثیر بعضا متفاوتی که موادمخدر ممکن است برای زنان و مردان داشته باشد، به لحاظ اجتماعی تجربه زیسته زنان با مردان معتاد بسیار متفاوت است. نقش‌های جنسیتی که برای زن در جامعه تعریف می‌شود و کلیشه‌های جنسیتی که در ارتباط با آنان وجود دارد در تضاد با تصورات موجود از یک معتاد قرار می‌گیرد.

اعتیاد زنان نقش‌هایی پذیرفته و مورد انتظار از زن را در جامعه مغشوش می‌کند و مشکلاتی را برای زنان به همراه می‌آورد که بعضا نسبت اعتیاد مردان بیشتر است. جامعه استفاده از موادمخدر توسط زنان را به‌عنوان انحراف مضاعف در نظر می‌گیرد. تقدس نقش مادری و فداکاری و از خودگذشتگی که از زنان توقع می‌شود تناقض غیرقابل پذیرشی با زنی دارد که برای تامین مواد مصرفی خود حاضر به انجام هر عملی است. مجموعه این باورها سکوت در برابر اعتیاد زنان را منجر می‌شود و خدمات‌دهی به زنانی که به دلیل اعتیاد یا فرار از خانه یا هر دلیلی بی‌خانمان شده‌اند را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. در تهران یک مرکز برای ساماندهی زنان بی‌خانمان وجود دارد و در آن مرکز غربالگری مناسب صورت نمی‌گیرد.

امکانات رفاهی و بهداشتی برای زنان سبب می‌شود استفاده زنان از آن تعریف باشد. در حالی که آسیب‌های اجتماعی‌ای که در انتظار این زنان است، نه‌تنها بسیار زیاد که در مواردی غیرقابل بازگشت است.

افزایش شیوع اعتیاد میان زنان در سال‌های اخیر که از سوی مسئولان هم عنوان شده، توجه بیشتر نهادهای مسئول، سازمان‌های غیردولتی و پژوهشگران به این موضوع را می‌طلبد، امری که باید در اولویت قرار بگیرد.

گزارش

در سمینار «بارداری و اعتیاد» چه گذشت

دیگر کسی اعتیاد و کارتن‌خوابی زنان را انکار نمی‌کند

طرح نو/شادی خوشکار| موضع مسئولان نسبت به حضور زنان معتاد و کارتن‌خواب در جامعه، قبلا «انکار» بود اما حالا این موضوع را درک کرده و پذیرفته‌اند. این بخشی از صحبت‌های فرید برآتی، روانشناس و مدیر کل درمان و حمایت‌های اجتماعی ستاد مبارزه با موادمخدر است که در سمینار اجتماعی و بارداری و اعتیاد مطرح شده است. البته او در بخش دیگری از صحبت‌هایش تأکید کرده است که توجه به اعتیاد زنان و زنان کارتن‌خواب فقط وظیفه مسئولان نیست بلکه همه باید به بهبود وضع این قشر از جامعه کمک کنند. چرا که آنها هم جزیی از جامعه هستند و باید مثل همه از مواهب و نعمت‌های این جامعه استفاده کنند.

همین دو هفته پیش بود که جمعیت دانشجویی امام علی(ع) تئاتری با محوریت اعتیاد کودکان و بارداری زنان معتاد اجرا کرد. در این نمایش چند نفر از مددجویان این مرکز ایفای نقش کردند. نقش‌هایی که رنگ‌وبوی زندگی واقعی خودشان را داشت. قصه تئاتر زندگی دختری بود که پدرش به اعتیاد مبتلا بود و همین ماجرا مسیر زندگی او را نیز به اعتیاد رساند. دختری که در سال‌های نوجوانی باردار شد، بچه‌هایش را به دنیا آورد و روز به روز بیشتر با این آسیب دست و پنجه نرم کرد. سمینار اجتماعی «بارداری و اعتیاد» نیز با میزبانی جمعیت امام علی(ع) برگزار شد و در آن به غیر از فرید برآتی، علیرضا نوروزی رئیس اداره پیشگیری، درمان و کاهش آسیب اعتیاد وزارت بهداشت و لیلی ارشد مدیرعامل خانه خورشید هم حضور داشتند.

به گفته برآتی با وجود این که ۱۱۰ تا ۱۲۰ مرکز برای زنان در گیر با معضلات مختلف وجود دارد و در حال حاضر حدود ۱۰ درصد مبتلایان به اعتیاد را زنان تشکیل می‌دهند، هنوز به زنان باردار در گیر اعتیاد توجه ویژه‌ای نشده است. اما نکته مثبت این که وجود آنها پذیرفته شده و این خود شروعی است برای حل معضلاتی که آنها و کودکانشان در گیر آن هستند. این زنان که علاوه بر اعتیاد با مشکل بی‌خانمانی نیز دست‌وپنجه نرم می‌کنند و پس از به دنیا آمدن بچه‌هایشان، مشکل آنها اضافه می‌شود، هم به کمک‌هایی برای ترک اعتیاد خود نیاز دارند و هم کمک‌هایی که سلامت فرزندانشان را تأمین کند. اما مسأله این است که اغلب این زنان برای زایمان مشکل دارند که به گفته برآتی قرار شده هماهنگی با بیمارستان‌ها در زمینه پذیرش این زنان انجام شود. او در این نشست گفت: «مشکل ما این است که آماری از این زنان نداریم» و همچنین اضافه می‌کند که در مرحله به دست آوردن آمار باید مراقب بود که به این زنان «انگ» زده نشود چرا که ضربه‌پذیری را تشدید می‌کند. اما با وجود نبود آمار، در زمینه کمک به این زنان قانون داریم و وظایف دستگاه‌ها مشخص است. اگرچه برآتی اعتقاد دارد: «هماهنگی بین دستگاه‌ها برای عمل به وظایفشان لازم است.»

با وجود این که ۱۱۰ تا ۱۲۰ مرکز برای زنان در گیر با معضلات مختلف وجود دارد و در حال حاضر حدود ۱۰ درصد مبتلایان به اعتیاد را زنان تشکیل می‌دهند، هنوز به زنان باردار در گیر اعتیاد توجه ویژه‌ای نشده است. اما نکته مثبت این که وجود آنها پذیرفته شده و این خود شروعی است برای حل معضلاتی که آنها و کودکانشان در گیر آن هستند

در برنامه‌ای که یک NGO برگزار کرده است، برآتی از اهمیت استفاده از ظرفیت‌های غیردولتی غافل نبوده و تأکید کرد: «مردم پای کار هستند. آنها هرچه بیشتر بدانند بیشتر به کمک می‌آیند» او همچنین به وجود مراکز خاص در بهزیستی و همچنین خانه‌های امن نیز اشاره کرد که البته برای زنان معتاد نیست بلکه این خانه ویژه زنان نرمالی است که گاهی ممکن است در منزل دچار معضل شوند و به این مراکز مراجعه کنند و آدرس آنها را فقط مسئولان نیروی انتظامی دارند. اما برخی به وجود این خانه‌ها اعتراض می‌کردند که شما با ایجاد این خانه‌های امن کیان خانواده را زیر سوال می‌برید»

بعد از برآتی، نوبت علیرضا نوروزی بود که درباره بارداری و اعتیاد سخن بگوید. او در صحبت‌هایش به اهمیت مراقبت در دوران بارداری اشاره کرد و به پرخطر بودن بارداری برای مبتلایان اعتیاد. آنها که گاه با عدم پذیرش از سوی بیمارستان‌ها مواجه می‌شوند و نوروزی دلیل آن را در این نکته دانست که: «در غالب موارد درمان سرپایی برای زنان باردار مبتلا به اعتیاد لازم است، اما آنها به دلیل احساس شرم و گناه، به‌طور منظم به بیمارستان‌ها مراجعه نمی‌کنند و همین مسأله گاه باعث می‌شود که کارکنان بیمارستان رفتار خوبی با آنها نداشته باشند و با عصبانیت با آنها برخورد کنند که در نتیجه آن زنان نیز دیگر مراجعه نمی‌کنند و منجر به طرد آنها می‌شود. درحالی که حتی مراجعه‌های گاهبه‌گاه آنها نیز می‌تواند نقطه ارتباط را به وجود بیاورد و آنها را به سیستم درمانی بیاینند کند.» او همچنین مراکز اقامتی زنان مبتلا به اعتیاد را برای آنها که باردار هستند مناسب ندانست: «این مراکز دارو ندارند و مناسب باردارانشان نیستند. قصد ما این است که در مراکز اقامتی زنان واحد درمانی در نظر بگیریم و در این زمینه صحبت‌ها و آمادگی‌ها ایجاد شده است که دارو و پرستار در این واحدها باشد.» اما همان‌طور که نوروزی گفته مراکز اقامتی راه‌حل نیستند چرا که بعد از این که اعتیاد آنها به‌طور کوتاه‌مدت کنترل شد باید درمان آنها ادامه پیدا کند. مسأله دیگری که او به آن اشاره کرد دانش‌آموزان مبتلا به اعتیاد بود. نوروزی گفت: مداخله ما باید به گونه‌ای باشد که این دانش‌آموزان از مدارس طرد نشوند و بعد از دوره سم‌زدایی دوباره به مدرسه برگردند.

در بخش پرسش و پاسخ مسائلی چون نبود مرکزی برای زنان معتاد با فرزندانشان و نبود کارت بهداشت برای این زنان مطرح شد. لیلی ارشد گفت: «ما هنوز مرکزی نداریم که در آن زن مبتلا به اعتیاد و فرزندش را با هم نگاه داریم. ما طرحی داریم که بتوانیم این زنان را حداقل به مدت ۶ ماه نگهداری کنیم تا در این مدت توانمندی کسب کنند که خودشان بتوانند اتاقی اجاره کنند و کاری انجام دهند. همچنین این زنان معمولا دفترچه بیمه ندارند و اگر طرحی باشد که حداقل بتوانیم به این زنان کارت بهداشت بدهیم تا هزینه مراقبت‌های دوران بارداری‌شان تأمین شود. همچنین چون برای کودکان آنها جایی نداریم اکثر این زنان یا مجبور به فروش بچه‌هایشان می‌شوند یا کسی بچه آنها را می‌دزدد و سوءاستفاده می‌کند.»

نوروزی در پاسخ ارشد گفت: «بر اساس قانون هر کسی که به مراکز درمانی مراجعه می‌کند باید کارش انجام شود و مرکز درمانی به هیچ‌وجه مجاز نیست بیش از ۱۰ درصد هزینه را از فرد بگیرد که حتی اگر هم فرد آن را نداشته باشد می‌تواند از مددکاری بیمارستان کمک بگیرد. اگر انجام نمی‌شود، باید موردی آن را برطرف کنیم. همچنین این نوزادان به دلیل اعتیاد مادرانشان بین ۶۰ تا ۸۰ درصد علایم سندرم پرهیز نوزادی دارند که با ۵ روز تحت نظر بودن به‌طور درمانیک جواب می‌دهند و بهبود پیدا می‌کنند. اما بعد از این که نوزادان مرخص شدند باید تحت شرایطی باشند که به آنها مواد داده نشود. درمورد پذیرش کودکان بزرگتر در سیستم کشور جای خالی وجود دارد.»

برآتی نیز به مسئولیت سازمان‌های بیمه‌گر در مورد ۳ اولویت مبتلایان اعتیاد یعنی کودکان، زنان و معتادان پرخطر اشاره کرده و گفت: «این سازمان‌ها اعلام آمادگی کرده‌اند که این افراد را بیمه کنند و اگر این کار صورت گیرد هزینه‌های درمان حداقل برای آنها که شناسنامه دارند کمتر می‌شود یا آموزش و پرورش نیز باید تعامل شده‌ایم که دانش‌آموزان مصرف‌کننده از مدرسه اخراج نشوند و بهزیستی هم از آنها و حتی اگر لازم بود از خانواده‌های آنها هم حمایت کند.»

در این نشست پس از طرح مشکلاتی چون نبود کمپ زنان در شهر بوشهر، سخت بودن پذیرش دخترانِ کودک و نوجوان در گیر با اعتیاد در سازمان بهزیستی و ناشنلس بودن خانه‌های امن حتی برای NGOهایی که به‌طور مستمر برای حل معضلات اعتیاد و زنان فعالیت می‌کنند به مسأله ارزیابی مراکز پذیرش زنان مبتلا به اعتیاد و مناسب بودن آنها برای این افراد اشاره شد که برآتی در این زمینه گفت: «ارزیابی مراکز تا به حال منسجم نبوده و ممکن است برخی از آنها به حد کافی رضایت‌بخش نباشند.»

با یدبه آدم‌ها بدون توجه به سابقه و گذشته‌شان کمک کنیم

برنامه‌ای که درباره اعتیاد و بارداری برگزار شد پس از این پنل با حضور شادمهر راستین، فیلمنامه‌نویس فیلم امروز ادامه پیدا کرد. مسئولان جمعیت دانشجویی امام علی به دلیل نگاه متفاوتی که در فیلم امروز درباره زنی باردار و کمک‌بی‌چشمداشت شخصیت یونس به او نمایش داده شده بود با او به گفت‌وگو نشستند. شادمهر راستین در این باره گفت: «ما آسیب‌ها را نمی‌بینیم چرا که به دنبال هویت‌ها به‌عنوان یک جمع سالم هستیم. اگر یک فرد آسیب‌دیده، مبتلا به اعتیاد یا بی‌خانمان را ببینیم به او به‌عنوان آسیب نگاه می‌کنیم. در حالی که باید به آدم‌ها بدون توجه به سابقه و گذشته‌شان کمک کنیم. چنین افرادی که بی‌دریغ کمک کنند در جامعه ما وجود دارند و جالب است که در طبقات پایین جامعه بیشتر یافت می‌شوند و آنها بیشتر توانستند این فیلم و شخصیت پرویز پرستوئی را باور کنند.» او در ادامه درباره قضاوت شدید جامعه نسبت به افراد آسیب‌دیده گفت: «در مورد این فیلم گفتند که بسیار غیرقابل باور، یأس‌آمیز و رئالیستی است. درواقع فاجعه این است که جامعه امیدش را به این نوع کمک‌ها از دست داده است. من فکر می‌کنم شهروندی یعنی مددکاری»

عصر باشگاه دانشجویی دانشگاه تهران با میزبانی از کارشناسان مسائل زنان باردار مبتلا به اعتیاد و دانشجویان و فعالان اجتماعی این حوزه به پایان رسید. توجه یک موسسه مردم نهاد دانشجویی، مسئولان و کارشناسان بخشی از امیدی بود که در سه‌شنبه ۱۸ آذرماه با این سمینار موجودیت خود را اعلام کرد و توانست نگاه فعالان را به این مسأله بیشتر متمرکز کند. چرا که واقعیت وجود این زنان و مصائبی که خودشان و کودکانشان با آن درگیرند قابل انکار نیست.